

Received: 2025/7/5

Accepted: 2025/11/3

from 1 to 21

Farahnaz Vahidnia

Assistant Professor, Department
of Islamic Studies, Farhangian
University, Tehran, Iran
(Corresponding Author)
farahnaz.vahidnia@cfu.ac.ir

**Seyyed Mohammadreza
Hosseininia**

Associate Professor, Department
of Quran and Hadith Sciences,
Faculty of Theology and Islamic
Studies, University of Ilam.
m.hoseininia@ilam.ac.ir

Keywords:

principles of future-oriented
thinking; future-oriented
thinking; education; religious
education; foresight.

Principles of Foresight in Religious Education From the Perspective of Verses and Narrations

Abstract

The present study aims to elucidate the principles of future-oriented thinking in religious education by examining the Qur’anic and Hadith-based foundations of this concept, with the ultimate goal of proposing a systematic model for future-oriented education within the framework of Islamic teachings. Employing a descriptive-analytical methodology and a documentary library research approach, the study conducts a conceptual analysis of key notions such as “principle,” “future-oriented thinking,” and “religious education.” Relevant Qur’anic verses and Hadith traditions were extracted through qualitative content analysis and subsequently categorized into fundamental principles of future-oriented education. The findings indicate that the principles of future-oriented thinking in religious education consist of eight core components: 1) long-term thinking and vision-building as the guiding force of education; 2) decisive and responsible decision-making as a driver for realizing educational goals; 3) consultation and deliberation as corrective and developmental elements; 4) pedagogical flexibility that preserves dynamism in the face of societal and temporal changes; 5) conscious planning for organizing educational actions; 6) value-based prioritization to emphasize the essential needs of human development; 7) ethical and social responsibility as a commitment-generating dimension of education; and 8) trust in God (Tawakkul) as the spiritual foundation that provides assurance and tranquility throughout the educational process. The interaction of these principles forms a comprehensive framework for future-oriented religious education, enabling parents and educators to effectively cultivate a generation that is faithful, creative, responsible, and capable of adapting to future transformations. The study concludes by recommending the integration of futures studies and responsible decision-making skills into religious education curricula, the implementation of Qur’an-based training workshops for parents and educators, and the institutionalization of an indigenous Islamic model of future-oriented education within the national educational planning.

اصول آینده‌نگری در تربیت دینی از منظر آیات و روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۱۲

از صفحه ۱ تا صفحه ۲۱

فرحناز وحیدنیا

استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی،
دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

farahnaz.vahidnia@cfu.ac.ir

سید محمد رضا حسینی نیا

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث،
دانشکده الهیات و معارف اسلامی،
دانشگاه ایلام.

m.hoseininia@ilam.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین اصول آینده‌نگری در تربیت دینی، به تحلیل مبانی قرآنی و روایی این مفهوم پرداخته و می‌کوشد الگویی نظام‌مند برای تربیت آینده‌نگر در چارچوب تعالیم اسلامی ارائه دهد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کیفی و اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام شده است. بدین منظور، مفاهیم کلیدی چون «اصل»، «آینده‌نگری» و «تربیت دینی» مورد تحلیل مفهومی قرار گرفته و آیات و روایات مرتبط با استفاده از تحلیل محتوای کیفی استخراج و در قالب اصول بنیادین آینده‌نگری طبقه‌بندی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصول آینده‌نگری در تربیت دینی شامل هشت محور اساسی است: تفکر بلندمدت و چشم‌اندازسازی به‌عنوان جهت‌دهنده تربیت، تصمیم‌گیری قاطعانه و مسئولانه به‌مثابه عامل تحقق اهداف، مشورت و تدبیر به‌عنوان عنصر اصلاح‌گر، انعطاف‌پذیری تربیتی برای حفظ پویایی در برابر تحولات زمان، برنامه‌ریزی آگاهانه جهت سامان‌دهی اقدامات تربیتی، اولویت‌بندی ارزشی برای تمرکز بر نیازهای اصلی رشد، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی به‌منزله‌ی بُعد تعهدآفرین تربیت، و در نهایت توکل و اعتماد به خداوند به‌عنوان پشتوانه معنوی و آرامش‌بخش فرایند تربیت. تعامل میان این اصول، چارچوبی جامع از تربیت دینی آینده‌نگر را شکل می‌دهد که به والدین و مربیان امکان می‌دهد در پرورش نسلی مؤمن، خلاق، متعهد و سازگار با تحولات آینده موفق باشند. در پایان، پیشنهاد می‌شود برای تحقق این الگو، مهارت‌های آینده‌پژوهی و تصمیم‌گیری مسئولانه در نظام آموزش دینی گنجانده شود، کارگاه‌های آموزشی برای والدین و مربیان بر اساس آموزه‌های قرآنی برگزار گردد، و الگوی بومی تربیت آینده‌نگر اسلامی در برنامه‌ریزی درسی و تربیتی کشور نهادینه شود.

واژگان کلیدی:

اصول آینده‌نگری، آینده‌نگری، تربیت، تربیت دینی، عاقبت‌نگری.

۱- مقدمه

تحولات پرشتاب علمی، فرهنگی و اجتماعی در جهان معاصر، ضرورت بازنگری در مبانی تربیتی و توجه به آینده‌نگری در فرایند پرورش انسان را بیش از پیش آشکار ساخته است. تربیت، اگر صرفاً به تأمین نیازهای کنونی محدود بماند، نمی‌تواند نسل‌هایی را تربیت کند که در برابر چالش‌های پیچیده آینده توانمند و خردمند باشند. از این‌رو، تربیت آینده‌نگر به‌عنوان یکی از رویکردهای بنیادین در علوم تربیتی، بر برنامه‌ریزی بلندمدت، پیش‌بینی تحولات و آمادگی ذهنی و اخلاقی انسان برای مواجهه آگاهانه با آینده تأکید دارد.

در منظومه معرفتی اسلام، آینده‌نگری صرفاً نگاهی مادی یا پیش‌بینی علمی از آینده نیست، بلکه نوعی بصیرت الهی و تعهد اخلاقی است که ریشه در ایمان، عقلانیت و مسئولیت انسان در برابر خداوند و جامعه دارد. قرآن کریم و روایات معصومان^(ع) با دعوت مکرر به تدبیر، تفکر در عواقب امور، و پرهیز از رفتارهای عجولانه، بنیان‌های فکری و اخلاقی آینده‌نگری را در قالب تعالیمی چون تدبیر، حزم، وصیت و عبرت از تاریخ انسان تبیین کرده‌اند. این آموزه‌ها، انسان را به دوراندیشی، محاسبه پیامدها و تصمیم‌گیری آگاهانه فرا می‌خوانند و مسیر رشد و کمال او را بر اساس هدف غایی خلقت جهت می‌دهند.

با وجود اهمیت این موضوع، تاکنون در ادبیات تربیتی اسلامی، مفهوم «آینده‌نگری» عمدتاً به‌صورت پراکنده و غیرنظام‌مند بررسی شده است. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ، می‌کوشد اصول آینده‌نگری در تربیت دینی را با تکیه بر منابع اصیل اسلامی، یعنی قرآن کریم و روایات معصومان^(ع) استخراج و تبیین کند. در این راستا تلاش شده است تا ضمن تحلیل مفهومی و محتوایی آیات و روایات مرتبط، پیوند میان تعالیم وحیانی و نیازهای تربیتی عصر حاضر برقرار گردد.

نتیجه این پژوهش، ارائه چارچوبی نظری برای تربیت آینده‌نگر در نظام اسلامی است؛ چارچوبی که ضمن حفظ اصالت دینی، قابلیت انطباق با تحولات فرهنگی و تربیتی دنیای امروز را دارد و می‌تواند به پرورش نسلی مؤمن، خلاق و مسئولیت‌پذیر در مسیر تعالی الهی بینجامد.

۲- پیشینه

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تربیت و آینده‌نگری نشان می‌دهد که این موضوع همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. از یک سو، مطالعاتی چون «تعلیم و تربیت آینده با توجه به اسناد بالادستی» (۱۳۹۷) یا «مبانی و اصول تعلیم و تربیت با رویکرد آینده‌پژوهی» (۱۴۰۱) عمدتاً در چارچوب سیاست‌گذاری آموزشی و مدیریت سیستم‌های رسمی توقف کرده‌اند و پیوند کافی با متون وحیانی و تحلیل مفاهیمی چون «عاقبت‌اندیشی»، «تدبیر» و «وصیت» را ندارند. این امر باعث شده یافته‌های آن‌ها در سطح کارکردهای سازمانی باقی بماند و به سطح تربیت تمدن‌ساز نرسد. پژوهش‌هایی نیز مانند «والدین هوشیار و تربیت آینده‌گرا» (۱۴۰۳) و «مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث» (۱۳۹۰) به صورت گذرا به مفاهیم آینده‌نگری اشاره کرده‌اند، اما تمرکز آن‌ها

بیشتر بر ابعاد روان‌شناختی یا اخلاقی فردی بوده و تحلیل سیستماتیک از ظرفیت‌های تمدن‌ساز متون دینی در این زمینه ارائه نشده است. همچنین، استفاده از واژه «آینده‌نگری» بدون تبیین اینکه چگونه با مفاهیم وحیانی مانند «عاقبت اندیشی» (حشر: ۱۸) یا «حزم» هم‌خوانی دارد، باعث شده این پژوهش‌ها در گفتمان دینی باقی بمانند و به گفتمان جهانی آینده‌پژوهی پیوند نخورند.

پژوهشگرانی دیگر چون اکبرنژاد و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نقش آینده‌نگری در پیشرفت سازمان با تفسیربرداری از سیره مدیریتی حضرت علی^(ع)» و حمیدی‌زاده (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی»، آینده‌نگری را به‌عنوان اصلی راه‌بردی در مدیریت معرفی کرده‌اند. کارشکی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش آینده‌نگری در انگیزش و عملکرد یادگیرنده؛ جستجوی ریشه‌های عملکرد و انگیزش در دورهای آینده»، آینده‌نگری را به‌عنوان یک عامل شناختی-انگیزشی که نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش انگیزش درونی، خودتنظیمی، پشتکار و عملکرد یادگیرنده دارد و این متغیر از طریق تعیین اهداف بلندمدت و درک ابزاری تکالیف، به بهبود یادگیری عمیق و انگیزش پیشرفت منجر می‌شود، معرفی می‌کند. حسین‌زاده (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «آینده‌نگری مثبت در نهج‌البلاغه» به بررسی دیدگاه امام علی^(ع) پرداخته و نتیجه گرفته است که ایشان به آینده بشر خوش‌بین بوده و شتاب‌زدگی را مانعی برای تفکر صحیح می‌دانند. آقاپور و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌نگری؛ مبانی، ضرورت‌ها و روش‌شناسی‌ها» بر ضرورت آینده‌نگری به‌عنوان یک موضوع کلیدی در عصر حاضر و نقش آن در سیاست‌گذاری تأکید کرده‌اند. همچنین، خاک‌بازان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تبیین سازه حزم (آینده‌نگری) بر اساس اندیشه اسلامی»، حزم را مهارتی شناختی دانسته‌اند که شامل توجه به پیامدهای آینده، اقدام آگاهانه و مشورت است.

در سطح بین‌المللی، گفتمان آینده‌پژوهی تربیتی با چارچوب‌هایی مانند «شش ستون آینده‌اندیشی» (S. Inayatullah, 2017) یا گزارش‌های (UNESCO, 2021) درباره «آینده آموزش و مهارت‌های قرن بیست‌ویکم» پیشرفت چشمگیری داشته است. این گزارش‌ها تأکید می‌کنند که جوامعی که در تربیت نسل جوان خود از الگوهای فرهنگی-معنوی پایدار استفاده می‌کنند، در برابر بحران‌های هویتی و گسست نسلی مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند. این یافته، اهمیت تربیت وصیت‌محور و الگومحور در منظومه اسلامی را به‌عنوان راهکاری کاربردی و معاصر تأیید می‌کند. با این حال، این گفتمان‌ها به‌ندرت با منابع دینی گفت‌وگو کرده‌اند و اغلب از چارچوب‌های سکولار پیروی می‌کنند. در مقابل، مفهوم «عاقبت‌اندیشی» در سنت اسلامی، فراتر از یک مهارت فردی، به‌عنوان هوش استراتژیک تمدنی شناخته شده است. این مفهوم، با ریشه در آیه «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ...» (حشر: ۱۸) و روایاتی چون «أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ» نشان‌دهنده نگاهی مسئولانه، بلندمدت و تمدنی به تربیت است که هدف آن، پرورش نسلی است که نه تنها در برابر سرنوشت خود، بلکه در قبال آینده امت اسلامی پاسخگو باشد. در سوی دیگر، شماری از پژوهش‌های انتقادی درباره نظام‌های آموزشی استعماری به تحلیل

ماهیت سلطه‌گر و وابسته‌ساز آموزش و پرورش پرداخته‌اند: از جمله می‌توان به آثار ماجد عرسان کیلانی (۱۳۹۴) در «درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی»، فرانتس فانون^۱ (۱۳۸۹) و پائولو فریره^۲ (۱۹۷۰)، اشاره کرد. آنان نشان داده‌اند که آموزش در نظام‌های استعماری با هدف مهندسی ذهن و تربیت نیروهای مطیع برای حفظ سلطه سیاسی و فرهنگی طراحی می‌شود. در ایران نیز، محمودی (۱۳۹۹) در «استعمارشناسی در ایران: سیاست‌های استعمار فکری و فرهنگی در ایران: با تأکید بر ضرورت تحول در نظام آموزشی ایران» چگونگی نفوذ گفتمان غرب در ساختارهای آموزشی و فرهنگی کشور را بررسی کرده است.

با وجود این مطالعات، خلأ جدی در ادبیات علمی این حوزه وجود دارد: تا کنون پژوهش‌های جامعی که اصول آینده‌نگری در تربیت فرزند را از دیدگاه قرآن و حدیث بررسی کرده باشد، انجام نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر در پی پر کردن این خلأ نظری است و می‌کوشد بعد از مفهوم‌شناسی، به بررسی مهم‌ترین اصول آینده‌نگری بپردازد.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی و اسنادی (کتابخانه‌ای) است. هدف آن تبیین اصول آینده‌نگری در تربیت دینی بر اساس قرآن، روایات و منابع معتبر تفسیری و تربیتی است. بدین منظور، ابتدا مفاهیم کلیدی مانند «اصل»، «آینده‌نگری» و «تربیت دینی» با روش تحلیل مفهومی بررسی شده و سپس از طریق تحلیل محتوای کیفی و مضمون‌یابی، آیات و روایات مرتبط استخراج و در قالب اصول بنیادین آینده‌نگری در تربیت طبقه‌بندی گردیده‌اند. گردآوری داده‌ها بر پایه مطالعه منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته و اعتبار یافته‌ها از طریق مثلث‌سازی مفهومی و مقایسه متون قرآنی، روایی و تفسیری تضمین گردیده است. این روش‌شناسی با تلفیق عقلانیت تحلیلی و مبانی وحیانی، چارچوبی علمی برای تربیت آینده‌نگر در منظومه تربیت اسلامی ارائه می‌دهد.

۴- مفهوم‌شناسی

برای دستیابی به درکی عمیق و علمی از موضوع پژوهش، ضروری است پیش از هرگونه تحلیل و استنباط، به بررسی دقیق مفاهیم کلیدی مطرح‌شده پرداخته شود. این بخش با رویکردی تحلیلی و مفهومی، سه مقوله محوری «اصل»، «آینده‌نگری» و «تربیت/ تربیت دینی» را در چارچوب منابع دینی و تعاریف علمی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

1- Frantz Fanon

2- Paulo Freire

۶-۱- اصل

واژه «اصل» لغتی عربی و به معنای پایه و بُن هر چیزی است و هرآنچه در برابر فرع یا شاخه می‌باشد و جمع آن «اصول» است (رک: فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷، ص ۱۵۶ و فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۴۴۸) نیز «اصل هر شیء چیزی است که وجودش به آن استناد پیدا می‌کند» (زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۴، ص ۱۸). در بحث لغت بیان می‌کنند: «الأصل ما یبنی علیه غیره؛ اصل آن چیزی است که شیئی غیر از خودش بر آن بنا شود» (همان). در قرآن کریم واژه «اصل» به معنای ریشه، بنیاد و استواری به کار رفته است. در آیه ۶۴ سوره صافات: «إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ»، تعبیر «أصل الجحیم» به معنای «قعر جهنم» دانسته شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۴۰). همچنین در آیه ۲۴ سوره ابراهیم: «...كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ...» واژه «اصلها ثابت» معنایش این است که ریشه‌اش در زمین جای گرفته و با عروق خود در زمین پنجه زده است (همان، ج ۱۲، ص ۵۰) در آیه ۵ سوره حشر: «مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ» نیز تعبیر «قائمة على أصولها» درباره درختان نخل، اشاره به باقی ماندن درخت بر ریشه خود و پایداری آن دارد. مشتقات این واژه مانند «اصیل» و «أصال» نیز از همین معنا سرچشمه می‌گیرند. برای نمونه، در آیه ۱۵ سوره رعد: «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ» «أصال» به بخش پایانی روز اطلاق شده که آغاز شب و ریشه آن به شمار می‌آید (همان، ج ۱۲، ص ۴۳۷). در مجموع، بر پایه شواهد قرآنی و تفسیری، مفهوم «اصل» در قرآن نیز بیانگر «ریشه‌داری، بنیادین‌بودن و ثبات» است و بر پیوند استوار میان موجود و مبدأ یا بنیان دلالت دارد.

اما اصل در اصطلاح به معنی قاعده است؛ یعنی پایه‌ای که چیزی غیر از خودش بر آن قرار گرفته باشد که این معنا با معنای لغوی اصل مطابقت دارد. بنابراین منظور از اصول آینده‌نگری در تربیت، پایه و اساسی است که آینده‌نگری در تربیت بر مبنای آن انجام می‌گیرد.

۶-۲- آینده‌نگری

مفهوم «آینده‌نگری» در ادبیات دینی و علمی، به معنای توانایی درک، تصور و ترسیم آینده بر پایه تحلیل علمی، آموزه‌های دینی و شهود عقلانی است. این مفهوم در دو ساحت الهی و انسانی مطرح می‌شود و از منظر تاریخی ریشه در تعالیم پیامبران الهی دارد که با هدف هدایت بشر و تأمین سعادت او به آینده‌نگری دعوت کرده‌اند (گودرزی، ۱۳۸۲، صص ۱۳۱-۱۴۸). در سطح نظری، آینده‌نگری به عنوان تلاشی نظام‌مند برای بررسی تغییرات و ثبات‌های کنونی و تأثیر آن‌ها بر واقعیت‌های آینده تعریف می‌شود (آقاپور و پهلوان، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷).

از دیدگاه اخلاقی، آینده‌نگری به معنای سنجش پیامدهای هر عمل پیش از اقدام است. در این زمینه امام علی^(ع) می‌فرماید: «لا عقلَ کالتدبیر» یعنی هیچ عقلی همانند تدبیر نیست (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳؛ محدثی، ۱۳۸۹، ص ۱). قرآن کریم نیز با واژه «عاقبت» به مفهوم آینده اشاره دارد: «...فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف/ ۱۰۳) و این واژه را در معنای «پایان و

نتیجه کار» به کار می‌برد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۵، صص ۲۲-۲۳). در متون اسلامی، آینده‌نگری با مفاهیمی چون «حزم» و «تدبیر» هم‌معنا دانسته شده است (دشتی، ۱۳۷۶، ص ۵۹؛ خاک‌بازان و رفیعی‌هنر، ۱۳۹۶، صص ۱۳). حزم به معنای توجه دقیق به آینده، مشورت، صبر، انتخاب زمان مناسب و پرهیز از شتاب‌زدگی است (پسندیده، ۱۳۸۸، ش، ص ۱۰۶). شجاعی نیز آن را به دوراندیشی و پرهیز از پیامدهای زیان‌بار تفسیر کرده است (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶). در همین راستا، امام علی (ع) فرمودند: «الْحَزْمُ النَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَ مَشَاوِرَةُ ذَوِي الْعُقُولِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷۵). واژه «تدبیر» نیز در معنای اندیشیدن در پایان کار به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ۳۰۷) و در قرآن با تعبیر «فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا» (نازعات: ۵) آمده است. از این‌رو، تدبیر و حزم هر دو بیانگر ضرورت نگرستن به پیامدهای اعمال و تصمیم‌ها هستند. در نتیجه، آینده‌نگری در اندیشه اسلامی مفهومی بنیادین و عقلانی است که انسان را به تعقل، سنجش عواقب و برنامه‌ریزی مبتنی بر بصیرت دعوت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۲۳۸).

۳-۴- تربیت

از نظر لغوی، «تربیت» یا از ریشه «رَبَّ» به معنای پرورش و سوق‌دادن پیوسته به سوی کمال است (راغب، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹) یا از «رَبَا/ رُبُو» به معنای زیادت و فزونی (فیومی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۱۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۶). در اصطلاح، تربیت فرایند یاری‌رساندن آگاهانه برای ایجاد تغییر تدریجی در ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری به‌منظور شکوفایی استعدادها و اصلاح نواقص است (موسوی و اعرافی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۸). از این‌رو تربیت صرف «تعلیم» نیست؛ بلکه «پرورش» و رفع موانع رشد است (مطهری، ۱۳۸۹، ش، ص ۱۶ و ۴۴؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ش، ص ۲۵). کاربرد قرآنی و روایی نیز این جامعیت را تأیید می‌کند: «...أَلَمْ نُرَبِّكْ فِيْنَا وَلِيدًا...» (شعراء: ۱۸) به بعد رشد و بزرگ‌داشتن اشاره دارد؛ و دعای ۲۴ صحیفه سجاده «اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ أَتَّيَهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَ أَحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صَغْرِي» بر تربیت والدین در ابعاد جسمی و معنوی دلالت می‌کند. نتیجه آنکه «تربیت فرزند» بسیج سنجیده اقدامات آموزشی-پرورشی والدین برای فعلیت بخشی استعدادهاست؛ و آینده‌نگری، راهبرد کلیدی این فرایند متوازن است.

۱-۳-۴- تربیت دینی

تربیت دینی به «فعلیت‌رساندن استعدادهای ودیعه‌نهاده الهی با تکیه بر عقل و نقل برای نیل به قرب الهی» تعریف می‌شود (سلیمانی‌کیا، ۱۳۹۷، ش، ص ۲). قرآن، رسالت تربیتی را در «تلاوت آیات، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت» می‌نمایاند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲). در روایات نیز طلب دانش مستمر - در همه ساحت مفید و معتبر - تأکید شده است: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (پاینده، ۱۳۸۲، ش، ص ۲۱۸). بدین‌سان، تربیت دینی فرآیندی الهی-ارزشی است که کرامت انسان، عدالت، مسئولیت اخلاقی و استقلال فکری را پی می‌گیرد.

۵- اصول آینده‌نگری در تربیت دینی

پیش از ورود به تبیین اصول آینده‌نگری در تربیت دینی، لازم است یادآور شویم که این اصول در حقیقت شالوده‌های فکری و عملی تربیت آینده‌محور را شکل می‌دهند و پیوندی عمیق با مبانی قرآنی و روایی دارند. این اصول، نه صرفاً قواعدی نظری، بلکه راهبردهایی کاربردی برای هدایت فرایند تربیت در مسیر رشد پایدار، تعهد اخلاقی و آمادگی برای تحولات آینده‌اند. در ادامه، به تبیین هشت اصل بنیادین آینده‌نگری در تربیت دینی پرداخته می‌شود.

۱-۵- تفکر بلندمدت و چشم‌اندازسازی

تفکر بلندمدت و چشم‌اندازسازی، از اصول بنیادین آینده‌نگری در تربیت فرزند است. «چشم‌انداز» به آینده‌ای واقع‌گرایانه و قابل تحقق گفته می‌شود که همچون چراغی مسیر حرکت جامعه یا خانواده را روشن می‌سازد و دارای ویژگی‌هایی چون آرمان‌گرایی، جامع‌نگری، آینده‌نگری، ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است (رضایی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۳). در منظومه تربیتی اسلام، ترسیم چنین چشم‌اندازی به معنای انتقال ارزش‌های اصیل و هویت‌بخش به نسل آینده است. قرآن کریم در آیه ۱۳۲ سوره بقره، وصیت حضرت ابراهیم و یعقوب^(ع) به فرزندان را نمونه‌ای از چشم‌اندازسازی الهی معرفی می‌کند: «وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِي إِِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۲)؛ و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند) فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید».

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان این آیه را تبیینی از «چشم‌اندازسازی الهی در تربیت» می‌داند. از نظر وی، «وصیت ابراهیم» انتقال آگاهانه ایمان و هویت دینی به نسل بعد است و بر استمرار تاریخی دین توحیدی تأکید دارد. تعبیر «فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» نیز نشانگر ضرورت پایداری در ایمان تا لحظه‌ی مرگ است، بدین معنا که اسلام نه تجربه‌ای مقطعی، بلکه مسیری مداوم و پایدار است. بر پایه تفسیر علامه، این آیه بر یگانگی و استمرار دین الهی در سنت ابراهیمی و برگزیدگی اسلام به‌عنوان دین فطری تأکید دارد و از والدین می‌خواهد با ترسیم چشم‌اندازی الهی، نسل آینده را در مسیر ایمان و تسلیم پرورش دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۳۰۵-۳۰۶).

امام علی^(ع) نیز در روایتی بنیادین می‌فرماید: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَىٰ آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِرِّمَانٍ غَيْرِ رِمَانِكُمْ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۲۶۷)؛ آداب و رسوم خود را به فرزندانانتان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

این روایت والدین را از تحمیل دیدگاه‌های محدود زمانه خویش بر فرزندان برحذر می‌دارد و بر ضرورت درک مقتضیات آینده و آماده‌سازی نسل نو برای تحولات زمان تأکید دارد. ترکیب آموزه‌های فوق نشان می‌دهد که تربیت آینده‌نگر، بر دو پایه‌ی اساسی استوار است: نخست، تعیین چشم‌اندازی الهی و غایت‌مدار برای زندگی و دوم، انعطاف‌پذیری در روش‌های

تربیتی متناسب با تحولات زمان. حاصل این تعادل، پرورش نسلی است که در عین پایبندی به ارزش‌های جاودانه، از مهارت تحلیل، خلاقیت و قدرت سازگاری لازم برای مواجهه با آینده برخوردار است. بدین ترتیب نگاه بلندمدت در تربیت، نه صرفاً برای تأمین نیازهای روزمره، بلکه برای ساختن آینده‌ای روشن و متعالی است که در آن، فرزندان با درک مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود، در مسیر تعالی الهی گام برمی‌دارند.

۲-۵- اخلاق محوری و چارچوب ارزشی

از دیدگاه علامه طباطبایی، فضیلت‌ها ارزش‌های بنیادینی‌اند که با کمال و سعادت انسان سازگار و از این‌رو زیبا هستند، در حالی که صفات رذیلت‌آمیز به سبب ناسازگاری با سعادت انسان، زشت و موجب شقاوت‌اند؛ بنابراین، معیار نیکی و بدی در سازگاری یا ناسازگاری با کمال انسانی نهفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۳۷۹). آموزه‌های اسلامی نیز با تأکید بر محوریت اخلاق در سعادت دنیا و آخرت، والدین را به مسئولیت‌پذیری در تربیت اخلاقی فرزندان فرا می‌خوانند: «وَلْيُخَشِ الْدِّينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضَعِيفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء: ۹)؛ کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند. از (مخالفت) خدا بپرهیزند و سخنی استوار بگویند.

علامه طباطبایی ذیل آیه عنوان می‌کند: «انسان هر گونه برخورد و معامله‌ای که با دیگران و یا فرزندان آنان کند، هیچ راه گریزی از انعکاس آن عمل، به خودش و یا اطفال خودش ندارد مگر آنکه خداوند چنین بخواهد و از این انعکاس جلوگیری کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ش، ج ۴، ص ۳۲۱). این آیه غفلت از تربیت اخلاقی را عاملی برای انحراف نسل آینده می‌داند و بر پیوند میان تربیت صحیح و مصونیت از انحرافات آینده دلالت دارد.

در همین راستا، پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ رُشْدًا فَأَمُضِهِ وَإِنْ يَكُ غِيًّا فَانْتَهِ عَنْهُ»؛ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۱۵)؛ به تو سفارش می‌کنم که هرگاه خواستی کاری کنی در عاقبت آن بیندیش؛ اگر کار درستی بود آن را انجام ده و اگر نادرست و گمراه‌کننده بود از آن خودداری کن.

واژه «رُشد» در این روایت به معنای راهیابی به مسیر الهی و سعادت دنیوی و اخروی، و «غی» به معنای انحراف از آن و گرفتار شدن در هواهای نفسانی است (راغب‌اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۶). این روایت بنیانی برای تربیت اخلاقی است که هدف آن توانمندسازی فرزند در تشخیص مسیر رشد از غی است؛ تربیتی که معیارهای نیکی و بدی را نه بر اساس هوس‌های فردی، بلکه بر پایه عدالت، تقوا و مصالح بلندمدت تعریف می‌کند. امام علی (ع) نیز در حدیثی دوران‌دیشی را نتیجه «جهاد با نفس» دانسته و فرموده‌اند: «إِنَّ الْحَازِمَ مَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِجِهَادِ نَفْسِهِ فَأَصْلَحَهَا وَحَبَسَهَا عَنْ أَهْوِيَّتِهَا وَ لَدَاتِهَا فَمَلَكَهَا وَ إِنَّ لِلْعَاقِلِ بِنَفْسِهِ عَنِ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ أَهْلِهَا شُغْلًا»؛ (همیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ش، ۴۷۵)؛ دور اندیش کسی است که خود را به جهاد با نفسش مشغول دارد و آن را اصلاح

گرداند و نفس را از خواهش‌ها و لذت‌هایش باز بدارد و زمام آن را در اختیار گیرد. این حدیث نشان می‌دهد که تربیت اخلاقی آینده‌نگر صرفاً با نهی از تمایلات نفسانی تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند جایگزینی ارزش‌های الهی به جای لذت‌های مادی است. والدین باید در محیطی اخلاق‌محور، از طریق الگو بودن و تمرین عملی، مهارت خودکنترلی و درونی‌سازی ارزش‌های الهی را در فرزندان تقویت کنند.

در نتیجه، اخلاق‌محوری در تربیت آینده‌نگر، فرآیندی تدریجی و درونی است که فرزند را از پیروی ظاهری از قواعد، به درک درونی ارزش‌ها و التزام پایدار به آن‌ها سوق می‌دهد. این رویکرد، ضمن پرورش قدرت تحلیل پیامدهای اخلاقی، توان مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و وسوسه‌های نفسانی را در فرزند تقویت می‌کند. والدین با تمرکز بر خودآگاهی، خردورزی و تعادل میان انعطاف و پایبندی به اصول، نسلی را می‌پروراند که در برابر چالش‌های آینده استوار مانده و تاب‌آوری اخلاقی و معنوی را در وجود خود نهادینه می‌سازد؛ نسلی که می‌داند آرامش پایدار تنها در پرتو پایبندی به ارزش‌های متعالی الهی حاصل می‌شود.

۳-۵- ارزیابی پیامدها

ارزیابی پیامدها در تربیت آینده‌نگر، فرآیندی است که والدین را ملزم می‌کند هر تصمیم تربیتی را با تحلیل دقیق عواقب کوتاه‌مدت و بلندمدت آن بر زندگی فرزندشان بررسی کنند. این اصل نه تنها به پیش‌بینی نتایج عملکرد کودک، بلکه به تحلیل تأثیر روش‌های تربیتی والدین بر شخصیت، اخلاق و مهارت‌های او می‌پردازد. ارزیابی پیامدها به والدین کمک می‌کند تا از تصمیم‌های عجولانه و اقدامات سطحی پرهیز کرده و با رویکردی استراتژیک، فرزندان مسئولیت‌پذیر و توانمند پرورش دهند.

آموزه‌های اسلامی بر اصل «ارزیابی پیامدها» تأکید بسیار دارد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (حشر: ۱۸)؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است.

آیه فوق، بر مسئولیت اخلاقی انسان در پیش‌بینی پیامدهای رفتارهای اش تأکید می‌کند. کلمه «نَظَر» در اینجا، نه تنها به «دیدن»، بلکه به «تأمل و دقت» و «تحلیل عقلانی» اشاره دارد (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۸۱، ذیل ماده نظر) واژه «غَد» نیز تنها به فردای مطلق زمانی محدود نمی‌شود، بلکه شامل تمام پیامدهای عملکرد انسان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی است (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، صص ۲۹۸-۲۹۹) بنابراین، این آیه بر محوریت «خودسنجی» و «پاسخگویی فردی» در قبال آینده تأکید دارد. این آیه یادآور می‌شود در تربیت فرزند هر اقدام تربیتی باید با نگاهی به آینده دور انجام شود تا از تبعات منفی جلوگیری شود. قرآن کریم در این آیه، با تلفیق «الزام به پیش‌بینی» و «تذکر پاسخگویی در قیامت»، والدین را به مسئولیت‌پذیری فرا می‌خواند تا فرزندان‌شان را برای زندگی در دنیا و آخرت آماده کنند. این رویکرد، تربیت را از حالت عاطفی خارج

و آن را به فرایندی استراتژیک تبدیل می‌کند.

اصل ارزیابی پیامدها در روایات متعددی از معصومین^(ع) مورد تأکید قرار گرفته است؛ همچنان‌که پیامبر اکرم^(ص) با تأکید بر لزوم توجه به این اصل فرموده‌اند: «إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ رُشْدًا قَامُضِهِ وَ إِنْ يَكُ غِيًّا فَانْتَهَ عَنْهُ»؛ (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۱۵)؛ به تو سفارش می‌کنم که هرگاه خواستی کاری کنی، در عاقبت آن بیندیش؛ اگر کار درستی بود آن را انجام ده و اگر نادرست و گمراه کننده بود از آن خودداری کن.

روایت فوق، ضرورت تحلیل عقلانی هر تصمیم را قبل از اقدام برجسته می‌کند. کلمه «عَاقِبَتَهُ» در اینجا، هم به پیامدهای فردی و هم به عواقب اجتماعی اشاره دارد (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۱۵۴) بنابراین این مفهوم هم بر رشد اخلاقی فرزند (پیامدهای فردی) و هم تأثیر رفتار کودک بر جامعه (عواقب اجتماعی) اشاره دارد. این تدبیر، مانع از تبدیل شدن عادات نامناسب به بخشی از شخصیت فرزند می‌شود و به والدین کمک می‌کند تا از «رفتارهای ظاهری» فراتر رفته و به «تأثیرات بنیادی» توجه کنند.

همچنین، امام صادق^(ع) بر اهمیت توجه به این اصل تأکید نموده و فرمودند: «لَيْسَ بِحَازِمٍ مَنْ لَمْ يَنْظُرْ فِي الْعَوَاقِبِ، وَالنَّظْرُ فِي الْعَوَاقِبِ تَلْقِيحُ الْقُلُوبِ» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۰۱)؛ هر کس در عاقبت هر کاری نیندیشد کاردان (و دوراندیش) نیست عاقبت‌اندیشی به دل (و عقل) مدد می‌رساند (و به تشخیص درست امور کمک می‌کند).

حدیث فوق، ارزیابی پیامدها را به‌عنوان عاملی حیاتی برای پرورش شخصیت مسئول‌پذیر معرفی می‌کند. فرزندان که در معرض تفکر بلندمدت قرار می‌گیرند، توانایی مقابله با چالش‌های آینده را کسب می‌کنند. بنابراین ارزیابی پیامدها در تربیت آینده‌نگری، ترکیبی از خرد، برنامه‌ریزی و تعادل است. والدین باید با تحلیل دقیق هر اقدام، فرزندان آگاه و مسئولیت‌پذیر پرورش دهند که بتوانند در برابر چالش‌های آینده مقاومت کنند. این رویکرد نه تنها به رشد فردی کودک کمک می‌کند، بلکه پایه‌های جامعه آینده را نیز مستحکم می‌سازد. تربیت آینده‌نگرانه، نیازمند تلاش مستمر، یادگیری مداوم و هماهنگی میان اصول اخلاقی و نیازهای متحول جامعه است. والدینی که به این اصل پایبند هستند در واقع سرمایه‌گذارانی هستند که با دید بلندمدت نسلی متعهد و توانمند را برای فرداهای بهتر شکل می‌دهند.

۵-۴- مشورت و تحلیل خردمندانه

تحلیل خردمندانه در تربیت آینده‌نگر به معنای بررسی عمیق پیامدهای هر تصمیم و ارزیابی آن از منظر ارزش‌ها، اولویت‌ها و چالش‌های آینده است. این تحلیل، والدین را از اتخاذ تصمیمات احساسی یا کوتاه‌مدت باز می‌دارد. از سوی دیگر، با توجه به گستردگی اطلاعات، وسعت موضوعات، محدودیت فکری انسان در مورد مسائل مختلف و استفاده از نظرات دیگران از طریق مشورت، (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ش، ص ۱۳۵) این ابزار با جمع‌آوری نظرات و تجربیات دیگران به والدین اجازه می‌دهد تا دیدگاه‌های متنوعی را در تربیت فرزند خود لحاظ کنند. این دو اصل مکمل یکدیگر

هستند: تحلیل، پایه منطقی را فراهم می‌کند و مشورت، افق‌های جدیدی را برای تصمیم‌گیری باز می‌گشاید.

مشورت‌کردن و تحلیل خردمندان و عاقبت‌نگر، در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است؛ همچنان‌که قرآن کریم در مورد این اصل می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَكَوْنَتْ قَضًا غَلِيظًا الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ (آل عمران: ۱۵۹)؛ به (برکت) رحمت الهی در برابر آنان نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم‌گیری (قاطع باش!) و بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. آیه فوق، نه تنها بر اهمیت مشورت، بلکه بر فرایند تحلیل خردمندان و عقلانی‌پیش از تصمیم‌گیری تأکید می‌ورزد؛ عبارت «فَإِذَا عَزَمْتَ» (هنگامی که تصمیم‌گیری) نشان‌دهنده مرحله‌ای است که پس از «مشورت» و «تحلیل و ارزیابی نظرات» انجام می‌شود (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۵، ص ۳۹۸). این فرایند سه‌گانه (مشورت، تحلیل و عزم) الگویی کامل برای تربیت آینده‌نگران ارائه می‌دهد که در آن، والدین پس از گردآوری نظرات (مشورت)، به ارزیابی عقلانی آنها با معیارهای الهی و مصالح تربیتی می‌پردازند (تحلیل خردمندان) و سپس با اطمینان و توکل به خداوند تصمیم‌نهایی را اتخاذ می‌کنند.

قرآن کریم در آیه فوق به پیامبر^(ص) یادآوری می‌کند که اگر با سخت‌گیری و بی‌توجهی به نظر دیگران رفتار می‌کردند، اصحاب از ایشان روی می‌گردانند. این درس به والدین نیز می‌آموزد که مشورت نه تنها به دلیل کسب نظر است، بلکه برای ایجاد اعتماد متقابل، کاهش تنش‌های احتمالی در فرایند تربیت و مشروعیت‌بخشیدن به تصمیم‌ها ضروری است. تحلیل خردمندان در این مسیر همچون فیلتری عمل می‌کند که نظرات را با معیارهای عقلانی و ارزشی می‌سنجد و از تصمیمات شتاب‌زده جلوگیری می‌کند.

مشورت و تحلیل از منظر آموزه‌های اسلامی، تنها یک توصیه نیست، بلکه راهکاری الهی برای کاهش خطا و افزایش دقت در تصمیم‌گیری است. امام علی^(ع) در این مورد می‌فرماید: «الْحَزْمُ النَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَمُشَاوَرَةُ ذَوِي الْعُقُولِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۷۵)؛ دور اندیشی، عاقبت‌نگری است و رایزنی با خردمندان.

روایت فوق نشان می‌دهد که آینده‌نگری، تنها جمع‌آوری نظرات نیست، بلکه ترکیبی از استفاده از نظرات و تجربیات افراد با تخصص، و تحلیل منطقی و پیش‌بینی پیامدهاست. برای نمونه، هنگام انتخاب مدرسه برای فرزند، مشورت با مربیان، روان‌شناسان و والدین با تجربه، می‌تواند به شناسایی محیطی مناسب که هم‌سو با استعدادها و ارزش‌های فرزند باشد، کمک کند.

بنابراین در رویکرد تربیت دینی، مشورت و تحلیل خردمندان دو رکن اساسی به‌شمار می‌آیند که فرایند تربیت را از سطح واکنش‌های احساسی فراتر برده و به تصمیم‌هایی آگاهانه، منطقی و آینده‌نگر هدایت می‌کنند. این دو اصل ضمن تقویت رشد فردی و اجتماعی فرزند، او را برای رویارویی با پیچیدگی‌های زندگی معاصر آماده می‌سازند. مشورت با بهره‌گیری از دیدگاه‌های

صاحب‌نظران، دامنه شناخت والدین را گسترش می‌دهد و تحلیل عقلانی، این دیدگاه‌ها را در چارچوب ارزش‌های اخلاقی و دینی ارزیابی می‌کند. بدین‌ترتیب، تربیت بر پایه تعقل و مشورت، والدین را از خطاهای تکراری مصون داشته و زمینه تربیتی هماهنگ با اهداف الهی و نیازهای آینده را فراهم می‌سازد. افزون بر این، چنین رویکردی به فرزندان می‌آموزد که با تفکر نظام‌مند، بهره‌گیری از خرد جمعی و مسئولیت‌پذیری تدریجی، مسیر استقلال و رشد خویش را پیمایند.

۵-۵- برنامه‌ریزی آگاهانه

برنامه‌ریزی آگاهانه به‌عنوان یکی از اصول کلیدی در تربیت آینده‌نگر، نقش بسزایی در شکل‌دهی به آینده فرزند ایفا می‌کند. این نوع برنامه‌ریزی نه‌تنها شامل تصمیم‌گیری بر اساس دانش و تجربه است، بلکه نیازمند توجه به پیامدهای بلندمدت و ارزیابی عاقلانه هر اقدام نیز می‌باشد. منظور از برنامه‌ریزی آگاهانه، تدوین یک نقشه راه دقیق و سنجیده است که تمامی جنبه‌های رشد فرزند از جمله جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی را در برگیرد. این برنامه‌ریزی ضمن پاسخگویی به نیازهای حال، زمینه استقلال و موفقیت او در آینده را نیز فراهم می‌آورد (کلیک و همکاران، ۱۳۹۷، صص ۱۲۱-۱۲۴).

آموزه‌های اسلامی به وضوح بر اهمیت تدبیر و برنامه‌ریزی آگاهانه تأکید کرده‌اند و این موضوع را به‌عنوان یکی از اصول بنیادین زندگی معرفی نموده‌اند؛ همچنان‌که قرآن کریم در سوره یوسف، به زیبایی ضرورت تدبیر و برنامه‌ریزی حکیمانه حضرت یوسف^(ع) را نشان می‌دهد و می‌فرماید: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ»^(۴) ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَحْصِنُونَ» (یوسف: ۴۷-۴۸)؛ گفت: هفت سال با جدیت زراعت می‌کنید و آنچه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید). پس از آن، هفت سال سخت (و خشکی و قحطی) می‌آید، که آنچه را برای آن سالها ذخیره کرده‌اید می‌خورند؛ جز کمی که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد. آیات فوق به روشنی بیانگر ضرورت برنامه‌ریزی آگاهانه و تدبیر بلندمدت، پیش‌بینی شرایط آینده و ذخیره‌سازی منابع برای دوران سخت است. در تربیت فرزند نیز والدین باید بر همین اساس، با آینده‌نگری و برنامه‌ریزی آگاهانه، نیازهای تربیتی، آموزشی، روانی و اجتماعی فرزند را پیش‌بینی کنند و برنامه‌ای مدون داشته باشند تا بتواند او را برای چالش‌های آینده آماده کند و دوران‌های سخت و بحرانی [مانند بلوغ، نیازهای تحصیلی، ازدواج و...] را با سعادت و موفقیت طی کند. وگرنه بدون چنین برنامه‌ریزی آگاهانه‌ای، فرزند در مواجهه با مشکلات آینده دچار ناامیدی و شکست خواهد شد.

حضرت علی^(ع) در حدیثی بر توجه به کسب آگاهی پیش از انجام امور تأکید می‌نماید و می‌فرماید: «حُدِّ بِالْحَرَمِ وَالرِّمِّ الْعِلْمُ تُحْمَدُ عَوَاقِبُكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷۴). حدیث یادشده بر دو رکن بنیادین برای موفقیت در تمامی عرصه‌ها، به‌ویژه تربیت فرزند، تأکید دارد: دوراندیشی و همراهی با دانش. دوراندیشی ناظر بر نگاه آینده‌محور و پیش‌بینی پیامدهای تصمیم‌هاست، در

حالی که همراهی با دانش، ضرورت بهره‌گیری از آگاهی و تخصص در فرایند تصمیم‌گیری را گوشزد می‌کند. در پرتو این دو اصل، والدین قادر خواهند بود با در نظر گرفتن ابعاد گوناگون رشد کودک- اعم از تحصیلی، روانی، اجتماعی و معنوی- برنامه‌ای جامع و متوازن تدوین کنند که هم پاسخ‌گوی نیازهای فعلی و هم زمینه‌ساز آینده‌ای موفق برای فرزند باشد. بر این اساس، برنامه‌ریزی آگاهانه در تربیت فرزند، ابزاری مؤثر برای ایجاد تعادل میان نیازهای حال و آینده تلقی می‌شود. چنین رویکردی نه تنها موجب اتخاذ تصمیم‌های سنجیده از سوی والدین می‌گردد، بلکه مهارت‌های تفکر راهبردی، مدیریت زمان و حل مسئله را نیز در فرزندان تقویت می‌کند. از منظر آموزه‌های اسلامی، تدبیر و عاقبت‌اندیشی از وظایف اخلاقی و دینی انسان به شمار می‌روند؛ بنابراین والدینی که تربیت فرزند را بر پایه آگاهی و آینده‌نگری سامان می‌دهند، در حقیقت در مسیر ساخت جامعه‌ای رشدیافته و پایدار گام برمی‌دارند.

۵-۶- اولویت‌بندی و مدیریت منابع

اولویت‌بندی و مدیریت منابع در تربیت فرزند، یکی از ارکان اساسی آینده‌نگری است که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و موفقیت فرزند دارد. منظور از اولویت‌بندی و مدیریت منابع، شناسایی دقیق نیازهای ضروری فرزند و تخصیص بهینه زمان، انرژی، منابع مالی و عاطفی به این نیازهاست. این فرایند شامل برنامه‌ریزی برای آینده، تصمیم‌گیری درباره اهمیت هر نیاز، جلوگیری از هدررفت منابع و اطمینان از استفاده مؤثر از فرصت‌های موجود می‌شود (مرکز و همکاران، ۱۳۹۵، صص ۹-۲۲؛ زرین‌نگار، ۱۳۹۸، صص ۲۰-۲۴ و گنجعلی و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۵۴-۵۵).

اولویت‌بندی صحیح و توانایی تصمیم‌گیری درست در خصوص مدیریت منابع، در دنیای امروز که منابع محدود و فرصت‌ها متعدد هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (مرکز و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۱) این امر به والدین کمک می‌کند تا بین نیازهای جسمانی، عاطفی و معنوی فرزند تعادل برقرار کنند و آنها را برای مواجهه با چالش‌های آینده آماده سازند.

اولویت‌ها و مدیریت صحیح منابع در دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از اصول اساسی در مدیریت اسلامی محسوب می‌شود (زرین‌نگار، ۱۳۹۸، صص ۳۶۳-۳۷۶) چنان‌که قرآن کریم بر اصل تعادل و میانه‌روی در مدیریت منابع تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)؛ و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

علامه طباطبایی ذیل آیه عنوان می‌کند: بندگان رحمان انفاق می‌کنند و انفاقشان همواره در حد وسط و میان اسراف و إقتار است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، صص ۳۳۲-۳۳۳).

آیه فوق اصل تعادل و میانه‌روی در مدیریت منابع را بیان می‌کند و الگویی جامع برای اولویت‌بندی صحیح در تربیت ارائه می‌دهد. در همین راستا، والدین در تربیت فرزند، باید در تخصیص منابع (چه مالی، چه زمانی و چه عاطفی) تعادل را رعایت کنند. نه چنان درگیر امور

مادی شوند که نیازهای روحی فرزند فراموش شود، و نه آنقدر سخت‌گیر باشند که فرزند احساس کمبود کند.

حضرت علی^(ع) در حدیثی پیرامون اهمیت این اصل فرموده‌اند: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ يَنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ وَ سُوءُ التَّدْبِيرِ يَفْنِي كَثِيرَ» (همیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۴)؛ حسن تدبیر، مال کم را زیاد می‌کند و سوء تدبیر، مال زیاد را نابود می‌کند. حدیث فوق نشان‌دهنده اهمیت تدبیر و مدیریت صحیح منابع است و بیان می‌کند که مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی درست، حتی با منابع اندک نیز می‌تواند رشد و ثروت ایجاد کند، در حالی که کاربرد نادرست و بدون تدبیر، حتی منابع فراوان را نیز از بین می‌برد. این حدیث بر اهمیت استفاده بهینه از فرصت‌ها، منابع مالی و انرژی در تربیت فرزندان تأکید دارد و نشان می‌دهد که موفقیت تنها به میزان منابع بستگی ندارد، بلکه به نحوه مدیریت آنها وابسته است.

بنابراین، اولویت‌بندی و مدیریت منابع در تربیت فرزندان، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، ارزیابی مداوم و تصمیم‌گیری آگاهانه است. این اصل نه تنها به والدین کمک می‌کند تا منابع محدود خود را به بهترین شکل ممکن استفاده کنند، بلکه فرزندان را نیز با الگوهای صحیح مدیریت منابع آشنا می‌سازد. آموزه‌های اسلامی بر اهمیت این موضوع تأکید کرده‌اند و راهکارهای عملی برای اجرای آن ارائه داده‌اند. والدینی که به این اصل توجه کنند، می‌توانند فرزندانی مسئولیت‌پذیر و آینده‌نگر تربیت کنند که در مواجهه با چالش‌های زندگی توانایی تصمیم‌گیری درست و مدیریت منابع خود را داشته باشند.

۷-۵- تصمیم‌گیری قاطعانه و مسئولانه

تصمیم‌گیری قاطعانه و مسئولانه از اصول بنیادین در تربیت آینده‌نگر به‌شمار می‌رود (کانتز و کانتز، ۱۳۹۱، ص ۷۲) و به معنای فرایندی آگاهانه و نظام‌مند است که در آن والدین با توجه به ارزش‌های بنیادین، نیازهای رشدی کودک و چالش‌های آینده، با تعهد و جسارت اقدام به انتخاب بهترین راهکارهای تربیتی می‌کنند (احمدی‌شیرازی، ۱۳۸۸، صص ۱۳-۵۷). این رویکرد بر قاطعیت در اجرا و پذیرش مسئولیت نتایج تصمیم‌ها تأکید دارد و از طریق تلفیق منطق، عاطفه و دوران‌اندیشی، زمینه‌ساز پرورش نسلی خلاق و سازگار با تحولات آینده می‌شود (هدفیلد و هسون، ۱۳۹۷، صص ۱۰۴-۱۱۴). قرآن کریم این اصل را در چارچوب مسئولیت‌پذیری آگاهانه مطرح کرده و از پیروی بدون علم نهی می‌کند: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (إسراء: ۳۶). این آیه از پیروی و متابعت هر چیزی که بدان علم و یقین نداریم نهی می‌کند، و چون مطلق و بدون قید و شرط است پیروی اعتقاد غیر علمی و همچنین عمل غیر علمی را شامل گشته و معنایش چنین می‌شود: به چیزی که علم به صحت آن نداری معتقد مشو، چیزی را که نمی‌دانی مگو و کاری را که علم بدان نداری مکن، زیرا همه اینها پیروی از غیر علم است، پیروی نکردن از چیزی که بدان علم نداریم و همچنین پیروی از علم در حقیقت حکمی

است که فطرت خود بشر آن را امضاء می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۳، ص ۱۲۶). روایات نیز بر اهمیت اندیشیدن پیش از تصمیم و قاطعیت پس از بررسی تأکید دارند. امام علی^(ع) فرمودند: «إِذَا اسْتُنِبْتَ فَأَعْرِمْ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۷۲)؛ هر گاه کاری را به عهده گرفتی، پس آهنگ آن کن.

و نیز: «تَفَكَّرْ قَبْلَ أَنْ تَعَزِمَ وَ شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تُقَدِّمَ وَ تَدَبَّرْ قَبْلَ أَنْ تَهْجُمَ» (وَرَام بن ابی فارس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۵۱)؛ فکر کن قبل از آن که تصمیم بگیری، مشورت نما قبل از آن که اقدام کنی، و تدبّر کن قبل از آنکه حمله کنی.

این دو حدیث الگویی سه‌مرحله‌ای برای تصمیم‌گیری تربیتی ارائه می‌کنند: سنجش همه‌جانبه موضوع، مشورت با خبرگان، و سپس اقدام قاطعانه بر پایه اطمینان و تعهد. از منظر تربیت آینده‌نگر، قاطعیت نتیجه شناخت و تعقل است، نه تحکم. والدین با پایبندی به این اصل، ضمن جلوگیری از تردیها و واکنش‌های هیجانی، الگویی از عقلانیت و مسئولیت‌پذیری را برای فرزندان ارائه می‌دهند. قاطعیت پس از بررسی و مشورت، موجب ثبات تربیتی، اعتماد به نفس و رشد تفکر تحلیلی در فرزندان می‌شود (کانتر و کانتر، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱).

در نهایت، تصمیم‌گیری قاطعانه و مسئولانه، فرایندی نظام‌مند و مبتنی بر عقلانیت، بررسی پیامدها و توکل بر خداوند است. این نوع تصمیم‌گیری والدین را قادر می‌سازد تا در مواجهه با چالش‌های تربیتی، راهکارهایی پایدار و اثربخش برگزینند و با ایجاد محیطی امن و منسجم، فرزندان متعهد، توانمند و آینده‌نگر پرورش دهند.

۸-۵- انعطاف‌پذیری، سازگاری و تقویت تاب‌آوری

انعطاف‌پذیری، سازگاری و تاب‌آوری از اصول بنیادین در تربیت آینده‌نگر به‌شمار می‌آیند و نقش تعیین‌کننده‌ای در آماده‌سازی فرزندان برای رویارویی با تغییرات و چالش‌های زندگی دارند. انعطاف‌پذیری به توانایی تغییر نگرش و رفتار در برابر تحولات محیطی اشاره دارد (آقایی‌دوست، ۱۴۰۱ ش، ص ۲۰؛ دیوید، ۱۴۰۲ ش، ص ۱۱)، در حالی که سازگاری به تنظیم رفتارها و افکار در هماهنگی با شرایط جدید مربوط می‌شود (رستمی‌مفرد، ۱۴۰۴ ش، ص ۱۰۱). این دو ویژگی در کنار تاب‌آوری -به معنای مقاومت در برابر مشکلات و بازگشت سریع از شکست‌ها (سیبرت، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۱)- زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیتی متعادل، خلاق و مقاوم در فرزندان است.

این سه اصل، کودکان را برای زندگی در دنیایی پویا و غیرقابل پیش‌بینی آماده می‌سازد، به آنان می‌آموزد که در برابر شکست‌ها، به جای ناامیدی، راه‌حل‌های نوآورانه جست‌وجو کنند و در موقعیت‌های دشوار، تصمیم‌های عاقلانه و مؤثر بگیرند. نتیجه تربیتی این فرآیند، تقویت اعتماد به نفس، امید و نگرش مثبت نسبت به آینده است. از منظر اسلامی نیز این مفاهیم ریشه‌ای عمیق دارند. قرآن کریم در آیه زیر پیام امید و اطمینان از همراهی آسانی با سختی‌ها را منتقل

می‌کند: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح: ۵)؛ (آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است. مفسرانی چون طبرسی (۱۳۷۰ ش، ج ۶، صص ۶۶۲-۶۶۳) و طباطبایی (۱۳۷۴ ش، ج ۲۰، ص ۵۳۴) این آیات را تبیین‌گر ضرورت مقاومت و امید در برابر دشواری‌ها دانسته‌اند. چنین آموزه‌ای والدین را به تقویت نگرش آینده‌نگر در تربیت دعوت می‌کند تا فرزندان بیاموزند که مشکلات گذرا هستند و هر سختی در دل خود فرصتی برای رشد دارد. امیرالمؤمنین^(ع) نیز در حدیث زیر بر ضرورت سازگاری با مقتضیات زمان تأکید می‌ورزند: «الْحَايِزُ مَنْ دَارَى زَمَانَهُ» (همیمی‌آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۷۵)؛ دوراندیش کسی است که با زمانه‌اش مدارا کند.

این بیان، یادآور آن است که تربیت مؤثر نمی‌تواند بر پایه الگوهای ثابت و غیرمنعطف استوار باشد؛ بلکه باید متناسب با تحولات علمی، فرهنگی و اجتماعی روز، بازنگاری و روزآمد شود. در نتیجه در تربیت اسلامی آینده‌نگر، انعطاف‌پذیری، سازگاری و تاب‌آوری نه تنها ابزار مقابله با مشکلات، بلکه عناصر اصلی شکل‌دهنده شخصیت و توان تصمیم‌گیری نسل آینده‌اند. پرورش این مهارت‌ها در محیطی حمایتگر و متکی بر ایمان، فرزندان را برای ساختن جامعه‌ای پویا، مقاوم و امیدمحور آماده می‌سازد.

۶- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین اصول هشت‌گانه آینده‌نگری در تربیت دینی، بر مبنای آیات و روایات، نشان داد که آینده‌نگری در منظومه تربیتی اسلام، صرفاً پیش‌بینی تحولات نیست، بلکه نوعی بصیرت الهی و تعهد اخلاقی در قبال فرد و جامعه است. یافته‌ها آشکار ساخت که تربیت آینده‌نگر در پرتو هشت اصل بنیادین معنا می‌یابد: تفکر بلندمدت و چشم‌اندازسازی به‌عنوان بنیان جهت‌دهنده تربیت که افق ایمان و رشد را برای نسل آینده روشن می‌سازد؛ اخلاق‌محوری و چارچوب ارزشی که تربیت را از سطح مهارت‌محوری به سطح تعهد و خودکنترلی ارتقا می‌دهد؛ ارزیابی پیامدها که انسان را به محاسبه عقلانی اعمال و تصمیم‌ها وامی‌دارد و مسئولیت‌پذیری اخلاقی را نهادینه می‌سازد؛ مشورت و تحلیل خردمندانه که فرایند تصمیم‌گیری را از هیجان‌زدگی به تعقل جمعی و تدبیر الهی سوق می‌دهد؛ برنامه‌ریزی آگاهانه که توازن میان نیازهای کنونی و آینده انسان را تضمین کرده و او را برای تحولات پیش رو آماده می‌سازد؛ اولویت‌بندی و مدیریت منابع که با تأکید بر تعادل و میانه‌روی به والدین و مربیان می‌آموزد منابع محدود را در مسیر رشد متعالی صرف کنند؛ تصمیم‌گیری قاطعانه و مسئولانه که با تلفیق عقلانیت و توکل، ثبات تربیتی و اعتمادبه‌نفس را در فرزندان تقویت می‌کند؛ و انعطاف‌پذیری، سازگاری و تاب‌آوری که فرزندان را برای مواجهه آگاهانه با تحولات فرهنگی و اجتماعی و عبور از بحران‌ها توانمند می‌سازد. در مجموع، این هشت اصل، منظومه‌ای هم‌پیوند از تفکر، اخلاق، تدبیر و معنویت را شکل می‌دهند که بر مبنای آن، تربیت اسلامی نه تنها به پرورش نسل مؤمن و متعهد می‌انجامد، بلکه ظرفیت تمدن‌سازی و پویایی فرهنگی جامعه اسلامی را نیز در خود دارد. تعامل پویا میان این اصول، الگویی جامع از تربیت آینده‌نگر الهی را عرضه می‌کند که در آن ایمان، عقلانیت و آمادگی برای تغییر

در هم تنیده‌اند. تحقق این الگو مستلزم نهادینه‌سازی مهارت‌های آینده‌پژوهی، تصمیم‌گیری مسئولانه و توکل الهی در نظام تربیتی و آموزشی کشور است تا بدین‌سان نسلی پرورش یابد که بتواند با حفظ اصالت دینی، در ساخت آینده‌ای روشن و معنوی نقش‌آفرینی کند.

۷- پیشنهادها

- ۱) تدوین الگوی بومی تربیت آینده‌نگر اسلامی: بر اساس یافته‌های قرآنی و روایی، الگویی نظام‌مند برای تلفیق ارزش‌های دینی با نیازهای تربیتی آینده طراحی شود تا در برنامه‌های درسی و تربیتی کشور مورد استفاده قرار گیرد.
- ۲) گنجاندن مهارت‌های آینده‌پژوهی در تعلیم و تربیت دینی: پیشنهاد می‌شود مهارت‌هایی چون تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری مسئولانه و برنامه‌ریزی مبتنی بر ارزش‌های الهی در آموزش دینی مدارس و دانشگاه‌ها تقویت گردد.
- ۳) بازنگری در محتوای دروس تربیت اسلامی: با هدف هماهنگی میان اهداف دینی و نیازهای جامعه آینده. لازم است محتوای دروس معارف اسلامی به‌گونه‌ای تنظیم شود که روح آینده‌نگری، مسئولیت‌پذیری و خلاقیت را در فراگیران پرورش دهد.
- ۴) برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و مربیان: جهت توانمندسازی والدین در تصمیم‌گیری آگاهانه و قاطع، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های تربیت آینده‌نگر بر پایه تعالیم قرآنی و سیره‌ی اهل‌بیت^(ع) برگزار گردد.
- ۵) پژوهش‌های تکمیلی تطبیقی: انجام مطالعات تطبیقی میان اصول آینده‌نگری در تربیت اسلامی و نظریه‌های نوین تربیتی غربی (مانند تعلیم و تربیت آینده‌محور و آموزش مبتنی بر شایستگی) می‌تواند به غنای نظری و کاربردی این حوزه بیفزاید.
- ۶) تأکید بر بعد معنوی آینده‌نگری: در برنامه‌های تربیتی، آینده‌نگری نباید صرفاً به پیش‌بینی تحولات علمی و اقتصادی محدود شود، بلکه باید جنبه معنوی و اخروی آن نیز به‌صورت محوری مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- الصحیفة السجادیة، ترجمه حسین استاد ولی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه (چاپ اول). قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص) (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
- احمدی شیرازی، مریم. (۱۳۸۸). رفتار قاطعانه: مفهوم قاطعیت در رفتار با فرزند چیست (چاپ اول). تهران: مؤسسه مادران امروز (مام).
- آقاپور، علی، و پهلوان، فاطمه. (۱۳۸۶). آینده‌نگری: مبانی، ضرورت‌ها و روش‌شناسی‌ها. فصلنامه راهبرد توسعه، ۹، ۱۵۴-۱۷۶.
- آقای دوست، شفیعه. (۱۴۰۱). انعطاف‌پذیری و مهارت‌های فراشناختی (چاپ اول). تهران: کتاب سبز.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی (باقر ساروخانی، مترجم؛ چاپ اول). تهران: انتشارات کیهان.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول) (چاپ چهارم). تهران: دنیای دانش.
- پسندیده، عباس. (۱۳۸۸). اخلاق‌پژوهی حدیث. تهران: انتشارات سمت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم (چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- خاکبازان، نوید، و رفیعی‌هنر، حمید. (۱۳۹۶). تبیین سازه «حزم» (آینده‌نگری) بر اساس اندیشه اسلامی. معرفت، ۲۶، ۲۴۱. ویژه روان‌شناسی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۷). سیری در تربیت اسلامی (چاپ دهم). تهران: انتشارات دریا.
- دیوید، سوزان. (۱۴۰۲). انعطاف‌پذیری هیجانی: رهایی از قیدوبندها و قدرت پذیرش تغییر (سوما فتحی، مترجم؛ چاپ اول). تهران: انتشارات میلکان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن (چاپ اول). دمشق-بیروت: دارالعلم، دارالشامیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). مفردات الفاظ القرآن (چاپ دوم). تهران: مرتضوی.
- رستمی مفرد، سجاد. (۱۴۰۴). سازگاری اجتماعی نوجوانان (چاپ اول). تهران: آرمان دانش.
- رضایی، محسن. (۱۳۷۴). چشم‌انداز ایران فردا. تهران: انتشارات اندیکا.
- زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴ ق). تاج العروس. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زرین‌نگار، محمدجعفر. (۱۳۹۸). مدیریت منابع انسانی (چاپ دوم). تهران: دیباگران.
- سیبرت، آل. (۱۳۹۴). مزایای تاب‌آوری (علیرضا صارمی و سیدباقر میرسلمانی، مترجم). تهران: روزگار.
- شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۸). درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی. قم: دارالحدیث.

- طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن (چاپ چهارم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (محمدباقر موسوی همدانی، مترجم؛ چاپ پنجم). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق (چاپ چهارم). قم: الشریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ق.). الأمالی (چاپ اول). قم: دارالثقافة.
- عباس‌نژاد، محسن. (۱۳۸۴). قرآن، مدیریت و علوم سیاسی (چاپ اول). مشهد: پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق.). العین (چاپ دوم). قم: هجرت.
- فیض کاشانی، محمدحسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ ق.). الوافی (چاپ اول). اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین^(ع).
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ ق.). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر. (۱۴۱۲ ق.). قاموس قرآن (چاپ ششم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کانتر، لی، و کانتر، مارتین. (۱۳۹۱). تربیت قاطعانه (الهام آرام‌نیا و شمس‌الدین حسینی، مترجمان؛ چاپ اول). تهران: پیکان.
- کلیک، فیلیس، کارکاس، کیمبرلی، و رابرتسون، کتی. (۱۳۹۷). مدیریت و برنامه‌ریزی برای دوران اولیه کودکی (منصوره کریم‌زاده و همکاران، مترجمان). تهران: دانژه.
- گنجعلی، اسدالله، سپهری، مهدی، و رحیمی، احسان. (۱۳۹۶). انسان‌شناسی در دانش مدیریت منابع انسانی: رویکرد انتقادی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
- گودرزی، غلامرضا. (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا (چاپ اول). تهران: دانشگاه امام صادق^(ع).
- گودرزی، غلامرضا. (۱۳۸۲). طراحی مدل مفهومی آینده‌نگری مدیریت بحران با رویکرد فرهنگی. کمال مدیریت، ۴-۵.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون‌الحکم و المواعظ (چاپ اول). قم: دارالحدیث.
- مازندرانی، محمدصالح بن احمد. (۱۳۸۲ ق.). شرح الکافی (چاپ اول). تهران: المكتبة الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأمة الأطهار^(ع) (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق.). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محدثی، جواد. (۱۳۸۹). تدبر و آینده‌نگری. نشریه معارف اسلامی، ۲۹، ۸۱.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۳۷۷). من هدی القرآن (چاپ اول). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مرکز، جاستین، بارکر، برنارد، و برد، ریچارد. (۱۳۹۵). مدیریت منابع انسانی در تعلیم و تربیت (علی

- عسگری، مترجم؛ چاپ اول). تهران: آوای نور.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۶). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در اسلام (چاپ شصت و پنجم). تهران: صدرا.
 - موسوی، سیدتقی، و اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۴). فقه تربیتی: مبانی و پیش‌فرض‌ها (چاپ سوم). قم: مؤسسه فرهنگی‌هنری اشراق و عرفان.
 - نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البیت^(۴).
 - هدفیلد، سو، و هسون، گیل. (۱۳۹۷). قاطعیت: چگونه در هر موقعیتی قاطع باشیم (اشرف براهنی، مترجم؛ چاپ اول). تهران: نشر روان.
 - ورام بن ابی فارس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ ق). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام) (چاپ اول). قم: مکتبه فقیه.
 - Inayatullah, S. (2008). Six pillars: futures thinking for transforming. Foresight, 10 (1), 4- 21. <https://doi.org/10.110814636680810855991/>
 - OpenAI. (2023). ChatGPT [Version 4]. <https://chat.openai.com>

توضیح تکمیلی

در تدوین مقاله از ChatGPT به عنوان ابزار کمکی به منظور بهبود ساختار منطقی، زبانی و روایی متن استفاده شده است. با این حال کلیه محتوای نهایی این سند پس از بازبینی و اصلاحات لازم، مورد تأیید قرار گرفته است.

